سرآمد اقتصاد

روزنامه

یکشنبه-۱۶شهریور ۱۴۰۴-سال یازدهم- شماره ۲۲۹۲ - قیمت: ۵۰۰۰۰تومان

www.Eghtesadsaramad.ir

eghtesadsaramad

@Eghtesadsaramad

سرآمد گزارش می‌دهد؛

خط‌ونشان ترامپ برای کشتیرانی جهان

آمریکا کشورهای طرفدار کربن صفر را تهدید کرد ۳

سرآمد گزارش می‌دهد؛

نشانه‌های رویگردانی هند از غرب

اتحاد جدید میان چین، هند و روسیه شکل می‌گیرد؟ ۴

دکتر نورالله بیرانوند در نوشتاری به سرآمد تشریح کرد؛

راهبردهای عملیاتی برای موفقیت بنادر خشک ایران

الزامات حرکت به سوی اکوسیستم سرمایه‌گذاری پایدار چیست؟ ۸

در راستای تقویت زیرساخت‌های لجستیکی کشور صورت گرفت:

امضای تفاهم‌نامه همکاری‌های لجستیکی میان راه آهن و شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی ایران ۸

«سرآمد» گزارش می‌دهد؛

برنامه روسیه برای توسعه حمل‌ونقل در قطب شمال چیست؟ ۶

مقاله

ابعاد حقوقی پیگیری دریافت غرامت جنگی از آمریکا ۲

مرتضی فاخری

یادداشت

بزم امریکایی کشورک های خلیج فارس

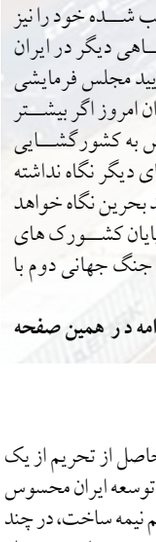

ایرج گلشنی- سال هاست شاهد ادعای کشورک های خلیج فارس در باره برخی سرزمین‌های ایران شنیده می‌شود. ادعا در باره جزایر ایرانی و این روزها هم در باره سکوی نفتی آرش. این ادعاها، ریشه در بزم سیاسی امریکایی و تحریک اسراییلی دارد و خود این کشورک های ساختگی، شهامت طرح چنین ادعاهایی را ندارند.

تاریخ شاهی

یک دلیل برای طرح این ادعاها، تاریخ منحوس شاهی است. مدتی مساله بحرین را مطرح کردند و تبلیغات گسترده و بهانه‌های پوچ آوردند و در نهایت بحرین را بردند. بحرینی که با اشک نمایندگان مجلس شاهی هم همراه بود. حتا نمایندگان شاهی هم مخالف بودند اما «بحرین را عروس کردند و به بیگانه تحویل دادند.» این خاطره تلخ تاریخی، به مذاق خلیج فارس خوش آمده و با تحریک غربی، خیال می کنند که دوباره اتفاق می‌افتد. بی خبر از این که دیگر دوره ترس شاهی نیست و دوران شکوه کوروشی آغاز شده است و خاک ایران کم نه بلکه افزوده خواهد شد.

ترس از بازپس گیری بحرین

بزم غربی به خلیج نشین‌ها گفته است که اگر ایران بیش از این قدرت بگیرد، نه تنها سرزمینی به شما عروس نخواهد کرد، بلکه سرزمین غصب شده خود را نیز بازپس خواهد گرفت. امضای شاهی دیگر در ایران سربلند امروز اعتباری ندارد. تایید مجلس فرمایشی دیگر ارزش و اعتباری ندارد و ایران امروز اگر بیشتر قدرت بگیرد، مانند دوران کوروش به کشورگشایی خواهد پرداخت و اگر به کشورهای دیگر نگاه نداشته باشد، به سرزمین های خود مانند بحرین نگاه خواهد داشت و این به معنای شروع پایان کشورک های ساختگی است که اغلب بعد از جنگ جهانی دوم با حمایت انگلیس خلق شدند.

ادامه در همین صفحه

نمایشگاه ششم یا نهم حمل و نقل؟ مساله این است!

سکوت وزارت راه و شهرسازی درباره نمایشگاه حمل و نقل

امید متین – چندی است که ششمین نمایشگاه بین المللی حمل و نقل و لجستیک در محل نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران برگزار شد و بنا بر شنیده‌ها، قرار است که نهمین نمایشگاه بین‌المللی حمل و نقل و لجستیک در مصلی تهران هم برگزار شود! قبلا سخن گفتیم که این دو نمایشگاه هم نام در یک صنعت، باعث مسائل و مشکلاتی شده است. مخاطبان گروه اقتصاد سرآمد نسبت به آن حساسیت دارند و در باره این موضوع، مطالب و دیدگاه هایی به دفتر تحریریه اقتصادسرآمد ارسال می کنند. در این رابطه، طرح چند نکته دیگر مهم به نظر می رسد: نکته مهم این نمایشگاه‌ها، ایجاد ارتباط با تجار، حمل و نقل و لجستیک است. اما این فعالان با این دوگانگی بیشتر از ما گیج شده‌اند و نمی‌دانند زنگ خود را روی کدام ساعت کوک کنند! شبیه تغییر ساعت‌های مرسوم شده است که مردم تا مدتی گیج و منگ می‌شوند و تا زمان خود را با ساعت جدید هماهنگ می کنند، کلی طول می کشد. اکنون فعالان حمل و نقل و لجستیک بین‌المللی از خود می‌پرسند: روی کدامیک از این دو باید حساب باز کند؟ برای کدامیک برنامه خود را تنظیم کند؟ به طور طبیعی، یک تاجر یا فعال حمل و نقل و لجستیک در حوزه بین املل برای بازدید از یک نمایشگاه در هر کشوری، متحمل هزینه هایی می‌شود و دوست ندارد که بدون برنامه مشخص، هزینه روی دست خود بگذارد. اکنون اگر بخواهد تصمیم بگیرد، در یکی از این دو نمایشگاه بین المللی حمل و نقل و لجستیک شرکت کند، کدام یک را باید انتخاب کند؟ نمایشگاه‌های بین‌المللی به ظرفیت صنایع توجه دارند. سوال این است که آیا صنعت حمل و نقل و لجستیک ایران ظرفیت پذیرش دو نمایشگاه در یک سال را دارد. دو نمایشگاه هم نام، کاملا موازی و کاملا شبیه. چرا چنین اتفاقی باید بیفتد و مقصر این بی برنامگی تلخ کیست؟ به نظر نمی‌رسد که صنعت حمل و نقل ایران- و حتا هر کشور دیگری- ظرفیت برگزاری دو نمایشگاه به فاصله چندماه از یکدیگر را داشته باشند. اصرار بر برگزاری این دو نمایشگاه هم نام و تقریبا همزمان، بیشتر به کشاکش دولتی بر می گردد نه ظرفیت صنعت و ضرورت برگزاری.

بدون تردید، ناهماهنگی در بدنه دولت، باعث این سردرگمی است. دو نهاد رسمی کشور هر کدام حامی و پشتیبان یکی از این نمایشگاه‌ها هستند. چرا؟

در این باره کسی به اقتصاد سرآمد پاسخگو نبوده و تا کنون تماس های ما برای پرسیدن این سوال، ناکام مانده است. واقعا چرا دو بخش دولتی، صنعت حمل و نقل را باید نصف کنند؟ چرا از توان و قدرت نمایی بزرگ این صنعت می کاهند؟ چرا ماهیت رقابتی نمایشگاه حمل و نقل و لجستیک را از میان بر می‌دارند؟

سازمان توسعه تجارت می گوید: رکن قانونی صدور مجوز نمایشگاه من هستم و من نمایشگاه ششم را به رسمیت می‌شناسم. اما وزارت راه و شهرسازی که حامی اصلی نمایشگاه نهم است، در این باره سکوت کرده است.

آن چه از شواهد و قرائن بر می‌آید این است که نمایشگاه نهم برگزار نخواهد شد. تاثیر پرسش گری مخاطبان، مشتریان نمایشگاه و غرفه داران همه گویا توانسته است که اثر مثبت بگذارد و طومار نمایشگاه نهم را در هم بپیچد. اما برخی فعالان نمایشگاه نهم این خبر را رد کرده و می گویند که نمایشگاه با قوت برگزار خواهد شد؛ اما برای این خبر، سند محکمی ارائه نمی‌کنند. قرار است که برخی مسئولان اجرایی این نمایشگاه با اقتصادسرآمد گفت و گوی رسمی داشته باشند که با چند خلف وعده، هنوز این مصاحبه را نداده‌اند و همین نظر عدم برگزاری نمایشگاه نهم را تقویت کرده است. گویا به دنبال کسب مجوز هستند؛ اما هنوز مجوز رسمی برای برگزاری نمایشگاه نهم صادر نشده است. به طور طبیعی، اگر سازمان توسعه تجارت، مرجع صدور مجوز باشد، نمی‌تواند این مجوز را صادر کند و خود را نقض کند.

با تمام این‌ها، همچنان مساله اول صنعت حمل و نقل و لجستیک در باره برگزاری نمایشگاه، حل معمای ششم یا نهم است.

دولت بهتر است، به فکر هماهنگی بیشتر و نظم دهی به مجوزهای نمایشگاه های خود باشد تا این مساله به نحو مقتضی حل و فصل شود.

در این باره، اقتصاد سرآمد، هیچ موضع مثبت یا منفی نداشته و ندارد. نه حامی ششم است و نه حامی نهم. و در عین حال نه مخالف این است و نه مخالف آن. آن چه منتشر می‌کند، نگاه و دیدگاه مخاطبان است که بر اساس مصاحبه ها و استدلال منطقی بیان می‌شود.

این که آیا دو نمایشگاه باید باشد یا یک نمایشگاه؟

این که مرجع واقعی قانونی صدور مجوز نمایشگاهی کجاست؟

این که وجود دو نمایشگاه به نفع صنعت حمل و نقل و لجستیک است یا نه؟ و امثال این نکات مد نظر و تحلیل اقتصادسرآمد است و تحریریه اقتصادسرآمد در این باره، به هیچ وجه جبهه گیری نکرده و نمی‌کند.

این دو نمایشگاه، باعث اختلاف شدیدی بین اهالی صنعت حمل و نقل و لجستیک شده است و دو دستگی ایجاد کرده است. یک گروه با دلایلی به کوبیدن نمایشگاه ششم می پردازند و گروه دیگر از نمایشگاه ششم دفاع می‌کنند. و بر عکس، یک گروه له نمایشگاه نهم شده‌اند و یک گروه علیه.

این دوگانگی به نظر نمی رسد به معنای رقابت سالم باشد. دو شرکت در یک صنعت، باید به فکر رقابت خارجی و جذب تجاری خارجی باشند، نه این که بر سر نمایشگاه با هم به تضاد بنشینند. اگر مانند همه صنایع، این صنعت هم یک نمایشگاه داشت، در طول سال اهالی صنعت می دانستند که با چه برنامه‌ای شرکت کنند. اکنون، نصف شده اند. نصفی ششمی و نصفی نهمی!

سازمان توسعه تجارت ایران می تواند با صدور بیانیه ای به انبوه گمانه زنی ها پایان دهد که آیا مرجع قانونی صدور مجوز نمایشگاه‌های بین المللی در حوزه حمل و نقل و لجستیک هست یا نه و آیا برای برگزاری نمایشگاه نهم هم مجوز صادر کرده یا می‌کند؟ و یا وزارت راه و شهرسازی به عنوان حامی اصلی نهمین نمایشگاه حمل و نقل و لجستیک و یا سازمان صنعت و معدن استان تهران به عنوان رکن مجوز نمایشگاه نهم، بیانیه بدهند که اهالی صنعت بدانند که آیا نمایشگاه نهم بالاخره برگزار می‌شود یا به نفع نمایشگاه ششم کنار می‌کشد تا تضادها و نقدهای طرفین به پایان برسد.

وقتی زمان از دست بدهند و ضربه های روحی و روانی از طریق نمایشگاه به فعالان صنعت وارد کنند، شاید قابل جبران نباشد. واقعیت این است که اکنون نمایشگاه حمل و نقل ششم و نهم تبدیل شده اند به یک معما. معمایی که حل آن به دست این دو دولتی افتاده است و اینان نیز معما حل نمی کنند و مساله را شفاف بیان نمی کنند. و ما همچنان مجبوریم دیدگاه دو طرف رقیب در برگزاری نمایشگاه حمل و نقل را مطرح کنیم و فعالان صنعت نیز به همراه تجار خارجی در ابهام به سر ببرند.

ادامه از همین صفحه

حمایت خارجی

امید کشورک های خلیج فارس به حمایت خارجی است. اما بعد از جنگ ۱۲ روزه، دانستند که حمایت خارجی واهی است. حمایت خارجی اگر معنا داشت، حتا یک موشک ایران نمی بایست از سد چند لایه انبوهی از پدافندهای چندین کشور اروپایی و امریکا و اسراییل بگذرد. موشک هایی از نسل گذشته که فقط برای دست گرمی بود. دنیا شاهد مانور واقعی نظامی ایران سربلند بود و دنیا حقارت و افت هیمنه اسراییل را به نظاره نشست و اکنون بعد از مدت ها از پایان جنگ ۱۲ روزه، همچنان شبکه های اجتماعی پر است از نمایش با شکوه موشک های ایرانی. این حمایت خارجی برای کشورک های خلیج فارس دیگر معنا ندارد و در صورت شروع جنگ، در همان چند ساعت اولیه، چیزی از آن ها باقی نخواهد ماند.

غوغاسالاری روانی

به نظر می رسد که ادعای کشورک های خلیج نشین، بیشتر با تحریک امریکا و اسراییل و برای فشار روانی به مردم ایران صورت می گیرد و گرنه، خود آن ها می‌دانند که قادر به سرقت سرزمینی از ایران امروز نیستند. دوران قاجار تمام شده و دوران پهلوی هم به تاریخ پیوسته است. دیگر نه آرارات می دهیم، نه دشت‌های ناامید و نه بحرین و نه هیچ جای دیگر. یک ذره خاک، یک ذره سرزمین دیگر به کسی باج نمی‌دهیم.

ایرانیان امروز که روح سلحشوری دارند و نمایش قدرت و عظمت آن‌ها از پیر و جوان در هنگامه هجوم اسراییل به نمایش درآمد و دنیا را حیرت زده کرد، دیگر آن مردم تسلیم گذشته نیستند. اگر این مردم در زمان شاهی بودند، و رهبری به برازندگی خامنه ای داشتند، قلب شاهی را از سینه خیانت او بیرون می کشیدند، کما این که در انقلاب ۵۷انتقام سخت گرفتند؛ هرچند عروس بحرین را برده بودند.

این مردم، با این حال و هوا، با این غیرت و بصیرت و شعور، دیگر سر تسلیم ندارند که فرود آورند. روح سلحشوری در آن‌ها طوری دمیده شده است که جز سرافرازی چیز دیگری نمی‌دانند و نمی خواهند. کشورک های خلیج فارس که به عاریه در آن سرزمین‌ها نشسته اند، می دانند که اگر روز خشم ایرانی برسد، ویرانی تمام عیاری دامن آن ها را خواهد گرفت.

ایران بیمه شد

بعد از جنگ ۱۲ روزه، ایران بیمه شد. مانورهای نظامی در دشت‌های ایران، به سرزمین های اشغالی رسید. آن چه که پیش از این آن را فتوشاپ می خواندند و رسانه هایشان در بی بی سی انگلیسی، اینترنشنال اسراییلی و من و تو امریکایی آن ها را به کاریکاتور و نمایش متهم می کردند، چنان گریبانشان را گرفت که طی چند روز، هیبت اسراییل را پاشاند و سرزمین های اشغالی را با غزه مترادف کرد.

بعد از این مانور باشکوه که در برابر چشم جهانیان دلبری کرد، ایران به معنای واقعی کلمه، از نظر دفاع سرزمینی به اوج رسید و خود را در کنار قدرت هایی مانند چین و روسیه قرار داد. حضور رییس جمهور ایران در کنار رهبر چین و رییس جمهور روسیه در رژه نظامی پکن، تمثیل روشنی است از ارزش و اعتبار ایران در قدرت نظامی از یک سو و ایجاد جبهه جدید دفاعی از سوی دیگر.

هر گاه رییس یک کشورک خلیج فارس به دلیل قدرت نظامی اش، به چنین ضیافتی دعوت شد و کنار قدرت های نظامی با سربلندی ایستاد، حق دارد مدعی باشد و گرنه باید سرخود بگیرد و خفه بماند تا مبادا خشم ایرانی بر سرش فرود آید.

واقعیت کدام است؟

آن چه برخی از کشورک های خلیج فارس ادعا می کنند، بنا به شواهد و قرائن واقعی و عینی، ادعایی پوچ و پوشالی که آن هم از سر توانمندی آن ها نیست، بلکه به دلیل سرسپردگی آنها به غرب است. آن ها در بزم غربی از یک سو تحقیر می شوند و از دیگر سو تحریک و از سرمستی شراب تحریک بیگانه، هذیان می گویند.

اما واقعیت این است که به ترفند استعماری، سرزمین ما را جدا کرده اند. واقعیت این است که مردم ایران هنوز با این وطن فروشی شاهی کنار نیامده اند. واقعیت این است که هنوز کام ملت ایران از این وطن فروشی تلخ است. واقعیت این است که هر ایرانی در گوشه ذهن خود بازگشت عروس خود را می خواهد. واقعیت این است که آینده، تعیین خواهد کرد که ادعا کدام است و حقانیت کدام.

۵ سال آینده ایران

ایران در شرایط خاصی قرار گرفته است. با تمام نقصان‌های حاصل از تحریم از یک سو و سوءمدیریت های داخلی از دیگر سو، روند رو به رشد و توسعه ایران محسوس است و با توجه به مجموعه سرمایه گذاری‌ها و پروژه های عظیم نیمه ساخت، در چند سال آینده، ایران بسیار فراتر از امروز خود خواهد بود. اگر روند همچنان رو به جلو باشد که هست و با بهبود مدیریت داخلی، سرعت افزون تر شده و امور زیربنایی مانند کریدورها به هم وصل شوند، کارهای نیمه تمام ریلی به پایان برسد و انبوه پروژه های نیمه تمامی که دولت چهاردهم برای اتمام آن ها همت کرده است، به سرانجام برسد که می رسد، ایران را باید از ۵ سال آینده، با شمایل تازه ای نگریست. قدرت نظامی که امروزه حیرت جهانیان را برآورد، تا ۵ سال آینده چنان تکمیل و تقویت می‌شود که ایران را بی‌تردید باید قدرت اول منطقه و جزو ابرقدرت های نظامی دانست. شکوه از ورزش گرفته تا اختر شناسی و... پیرامون ایران را گرفته است و نزدیک است که این بال های پرواز، ایران را تا اوج دوباره به آسمان ها بفرستند و این چیزی است که دشمنان ایران –به خصوص برخی کشورک های ساختگی خلیج فارس – از آن واهمه تلخی دارند و از هر فرصتی برای جلوگیری از پیشرفت ایران و ایرانی می کنند.

ادعا می کنند، عده ای وطن فروش را به خیانت بیشتر وا می‌دارند. تهدید نظامی می‌کنند، تحریم می کنند، با کریدور محاصره می کنند و ... هر کاری که بتوانند می کنند؛ اما دیگر کسی نمی تواند توسن سرکش ایران را مهار کند. ایران امروز دیگر از دسترس بیگانگان خارج شده است. دیگر نمی توان این عقاب بلند افراشته را شکار کرد و به زمین نشاند. دیگر امکان زمین گیر کردن ایران وجود ندارد. ادعای واهی هم تاوان خواهد داشت. خشم بر خشم ایرانی می افزایند اما روزی تقاصی سخت و ویرانگر پرداخت خواهند کرد. شک نباید کرد که روزی می رسد که امضاهای قاجاری و پهلوی را پاره می کنیم و سرزمین ایران بازگشتی با شکوه به دوران اقتدار کامل خود خواهد داشت.